

گفت‌وگوی
روزنامه صبا
با عوامل نمایش
«داستان جوانگ تسو»

جهان و واقعیتی که هر لحظه

دگرگون می‌شود



عکاس امیرحسین شهری

مریم عظیمی

گفت‌وگو

نمایش «داستان جوانگ تسو» به نویسندگی داریوش رعیت و کارگردانی حامد عقیلی در حالی در سالن سایه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود که بازیگرانی مانند آرش نوذری، اتابک نادری، پریزاد سیف و جواد اسماعیلی در آن به ایفای نقش می‌پردازند. این نمایش با حالتهای معماگونه و فلسفی و در ادغامی فرا زمانی به قصه نویسنده‌ای می‌پردازد که مرز میان خیال و واقعیت را گم کرده است. در ادامه گپ و گفت خبرنگار روزنامه صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

پریزاد سیف
بازیگر:

**بازی ام باید
در مرز خیال و واقعیت می‌بود**

چگونه دو بُعد خیال و واقعیت کاراکتر زن را تفکیک کردید؟

واقعیت این است که بخشی از این مسئله به همکاری و دوستی دیرینه من با نویسنده کار یعنی آقای داریوش رعیت برمی‌گردد، ما از سال ۱۳۷۰، همزمان با شروع کلاس‌های کانون تئاتر تجربی زیر نظر استاد حمید سمندریان، به نوعی هنرجوی ایشان بودیم و دوستی ما از همان موقع ادامه داشت. بنابراین وقتی ایشان متنی را می‌نویسند، شاید من از اولین مخاطبانی باشم که آنرا می‌خوانم و با هم درباره‌اش صحبت و آن را تحلیل می‌کنیم. برای نمایشنامه «داستان جوانگ تسو»، هم این اتفاق افتاد و حتی قبل از اینکه آقای عقیلی که ایشان هم همکلاسی قدیمی من هستند، بنا باشد این کار را کارگردانی کنند، در مورد این متن بارها

آرش نوذری
بازیگر:

**هر کاراکتری
می‌تواند چند وجهی باشد**

تلاش کرده‌ام در هر نقشی که بازی می‌کنم حتی در کاراکترهای منفی این خصیصه را لحاظ کنم تا شخصیت دل‌نشین‌تر و باورپذیرتر شود. اما بخش دیگر موضوع این است که ما در این اثر با فلسفه سر و کار داریم. فلسفه ابعاد مختلفی دارد و مبنایش بر این است که بتوانیم از زوایای مختلف به ابعاد یک موضوع بپردازیم تا در نهایت این امر به شکلگیری یک دیدگاه یا تفکر منجر شود. این نگاه می‌تواند از منظر طنز، شوخ‌طبعی یا هر رویکرد دیگری هم باشد و منظر جدیدی به اثر یا کاراکتر بیافزاید به عنوان مثال یک شخصیت ابزورد می‌تواند در عین حال یک کاراکتر ابزورد شوخ طبع باشد و هیچ مانعی وجود ندارد.

آیا سوال و دغدغه اثر برای خود شما نیز مطرح بوده؟

این سؤال‌ها همیشه برای کسانی که در عرصه نمایش فعالیت می‌کنند یا علاقه‌مند به آن هستند، مطرح است. پرسش‌هایی جذاب درباره این که چه اتفاقی خواهد افتاد، مسیر کجاست، یا در نگاه عرفانی، نسبت ما با حقیقت چیست و چقدر در آن تأثیرگذاریم؟ چنین پرسش‌هایی ذهن آدم را زنده و فعال نگه می‌دارد. این موضوع در سایر حوزه‌ها از جمله ریاضیات هم هست؛ در واقع در تمام ابعاد و شئون هستی وجود دارد و نهایتاً هم به خالق می‌رسد.

کاراکتر روانپزشک، علاوه بر درگیری دائمی با مرز خیال و واقعیت که تمام شخصیت‌های اثر با آن مواجه‌اند، یک بُعد فانتزی هم دارد که در بازی شما محسوس‌تر بود و بعد طنز کار نیز بر همین ویژگی استوار است. رویکردتان نسبت به این بعد کاراکتر چگونه بود؟

این ویژگی بخشی از خصیصه کاری من است و تقریباً در همه نقش‌ها آن را به همراه دارم. اما اصل موضوع این است که هر کاراکتری در هر موقعیتی می‌تواند چند وجهی باشد. یکی از این وجوه، قابلیت شوخ طبعی است؛ حتی یک قاتل هم ممکن است در شرایطی رفتاری طنزآلود از خود بروز دهد. این وجه طنزآمیز باعث می‌شود نسبت به آن کاراکتر شناخت و درک عمیق‌تری بدست آورید و با نگاهی ویژه مسیر متفاوتی را برای رسیدن به نقش دنبال کنید. به همین دلیل، همیشه

و بارها با آقای رعیت گفت‌وگو کرده بودیم. اما بخش دیگر داستان این است که اصلاً قرار بر این بود که تا پایان، مخاطب هم نداند که آیا این زن واقعی بوده یا توهم؛ اتفاقی که برای شخصیت‌های دیگر هم می‌افتد. جوانگ تسو به عنوان یک نخ ارتباطی، پس از هر تابلو می‌آید و نتیجه فلسفی خود را از آن تابلو می‌گیرد تا سرانجام بتواند این قصه را به پایان برساند تا اینکه در انتها همه به هم شک می‌کنند و هیچ‌گاه واقعیت و خیال از هم جدا نمی‌شوند. من بیش از «توهم» این زن را «خیال» می‌دانم. بنابراین برای نشان دادن آن، بازی من نیز باید بین مرز واقعیت و خیال باشد. یعنی در بسیاری از جاها من تبدیل به یک زن معمولی می‌شوم؛ یک زن معمولی که بافتنی می‌بافد، خانه را تمیز می‌کند، غذا می‌پزد و تمام آن چیزهایی که در متن هم هست، به نوعی زندگی می‌کند. اما در بعد دیگر او زنی است که در کمد پنهان شده و در تمام آن چهار سال شب‌ها تا صبح بیدار بوده و قصه‌های نویسنده را بازنویسی می‌کرده است. می‌توانم بگویم که این بعد کاراکتر به نوعی من را به یاد شخصیت شهرزاد قصه‌گو می‌اندازد؛ او همچون شهرزاد، قصه‌هایی را که شاید در ذهن نویسنده وجود داشته را واگو می‌کند، به گونه‌ای که خود او نیز در آنها نقشی داشته باشد. به همین دلیل اسامی آثار نویسنده با مفهومی کاملاً مغایرت دارند چرا که این زن تنها در اسامی آثار دست نمی‌برد. تمام تلاش من بر این بوده